

# چرایی محبوبیت سردار دل‌ها در افکار عمومی ایرانیان

یادداشت



دکتر غلامرضا جمشیدیها

رئیس دانشکده علوم  
اجتماعی دانشگاه تهران



اشاره | ظهور انقلاب اسلامی، زمانی اتفاق افتاد که هیچ متفکری با توجه به سلطه قدرت‌های غربی و شرقی در حوزه‌های مختلف اجتماعی در مناطق مختلف جهان، تصور نمی‌کرد که انقلابی با نام خدا شروع شود، به نتیجه برسد و مدیریت جامعه‌ای را بر عهده بگیرد؛ چراکه در میان متفکران غربی، برخی امر دینی را به سطح امر فردی تنزل داده و به سکولاریسم، معتقد بودند و برخی دیگر، دین را افیون ملت‌ها می‌دانستند؛ اما ظهور انقلاب اسلامی در ایران، تمام فرضیه‌های دانشمندان غربی را در خصوص دین و دین‌داری با ابطال روبه‌رو کرد و فصل جدیدی را در تاریخ بشر رقم زد. لذا در این مسیر تاریخی، انسانی دیگر متفاوت از دیدگاه متفکران غربی در صحنه اجتماعی ظاهر شد.

## انقلابی به نام خدا

اگر متفکران غربی در عصر مدرن، تبار خود را در میمون جستجو کرده و در حوزه اندیشه و تفکر، بر عقلانیت ابزاری تأکید می‌کنند، متفکران انقلاب اسلامی، تبار خود را در سلسله پیامبران الهی جستجو کرده و انسان جدیدی به تاریخ بشر معرفی کردند که عقل در سر و عشق در قلب داشت. این انسان جدیدی است که انقلاب اسلامی ایران، به جامعه بشری معرفی کرده است؛ انسانی که می‌تواند در ضمن دین‌داری و فهم کلام الهی، به پیشرفت و اصلاح جامعه بشری نیز فکر کند و اقدام عملی در این مورد انجام دهد. هنوز چند صباحی از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که مدعیان دروغین دموکراسی خواهی و آزاداندیشی، توان تحمل ظهور این انقلاب‌ خدایی را نداشتند، لذا از همان روز پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، توطئه‌های خود را برای به شکست کشاندن این نهال به بار نشسته شروع کردند. این منازعه با شروع جنگ تحمیلی شروع شد؛ جنگ تحمیلی، توطئه پیچیده‌ای بود که در آن، همه دشمنان بشریت علیه مردم ایران متحد شدند. خبثت آمریکا آن قدر زیاد بود که امام خمینی (ره) برای توصیف ویژگی‌های رفتاری این دولت از عبارت **شیطان بزرگ** استفاده کردند. در این مسیر و در مقابل غرب و به خصوص آمریکا، در ایران اسلامی، چهره‌های شاخصی به منصفه ظهور رسیدند که دست‌پورده مکتب امام خمینی (ره) بودند. یکی از این چهره‌های شاخص، **قاسم سلیمانی** بود که توانست با عشق به اسلام و با بهره‌گیری حداکثری از توانمندی‌های خود، نظام سیاسی آمریکا را به بن بست برساند.

## رنگ خدایی داشتن

از منظر قاسم سلیمانی، هیچ انسانی بدون حرکت نیست و سرمنشأ حرکات، **تعلقات** است که انسان را به حرکت وادار می‌کند که این تعلقات یا از منشأ عادی و منفی برخوردار است یا از منشأ معنوی و مثبت که هرچه این حرکت، متعالی باشد به یک هیجان تبدیل شده و انسان با بی‌قراری، به سمت آن می‌رود. در زندگی شهدا، این حرکات جوششی، عارفانه- عاشقانه بود که هدف‌گذاری آن‌ها، رسیدن به معبود بود. چنانچه وجود انسان از تعلق به خداوند پر شود، از دیگر تعلقات تهی می‌شود و قطعاً تعلق شهدا به خداوند متعال در سطح عالی و الهی آن، برای رسیدن به خداوند بود که به همین دلیل، دیگر تعلقات والای دنیوی را فدای تعلق جاوید شدن و رسیدن به خداوند کردند.<sup>۱</sup> هرچند شهید حاج قاسم سلیمانی، خود از نمونه مردان بزرگ تاریخ ایران زمین است که جز خداوند، به چیز دیگری متعلق نبود. به‌گونه‌ای که در هنگامه شهادت از القاب رسمی و اداری خود نیز چشم‌پوشی کرد و تنها **سرباز ولایت** بود. این، اولین دلیل است که ایشان، محبوب دل‌ها است.

## ایستادگی در برابر دشمن

دلیل دیگری که می‌توان در اینجا بدان اشاره کرد، **ایستادگی در مقابل دشمنان اسلام** بود. در جغرافیای سیاسی دنیا، کسی نمی‌تواند در مقابل رئیس‌جمهور آمریکا، بایستد و او را تحقیر کند. قاسم سلیمانی از جمله کسانی است که رئیس‌جمهور آمریکا را تحقیر کرد؛ ادبیات او را قمارخانه‌ای و کاباره‌ای نامید و گفت: «ترامپ قمارباز»! گفت که من، به تنهایی در مقابل می‌ایستم، زیرا ما ملت، حوادث سختی را پشت سر

۱. سخنان سردار سلیمانی در تاریخ ۹۷/۵/۵



گذاشته ایم. جنگ را شما شروع می کنید اما ما به پایان می رسانیم. بروید از پیشینان خود بپرسید؛ پس ما را تهدید نکنید، ما آماده ایم در مقابله بایستیم.<sup>۱</sup>

**ساده زیستی و مردمی بودن**

که البته تغییر رفتار مدیران بر جامعه نیز تأثیرات زیادی دارد. شهید قاسم سلیمانی معتقد است که اثر مدیران بر جامعه، اثر جمعی است، اما باید گفت که ایشان با توجه ویژگی های شخصیتی که داشتند، تحت تأثیر این فرآیند نادرست قرار نگرفته و زندگی مردمی داشتند، همانند دیگر وفاداران به آرمان های انقلاب اسلامی، ساده زیستی و با مردم بودن، روش زندگی شان بود.

در جمع بندی نهایی، باید گفت که دلیل محبوبیت شهید سلیمانی در خدایی بودن، ایستادگی در برابر ظالمان و داشتن شیوه زندگی ساده و مردمی بوده است.

دلیل سومی که می توان بدان اشاره کرد، این است که به طور معمول، پست های اجرایی و سیاسی برای دارندگان آن، امکانات فراوانی می آورد و این امکانات، موجب تغییر در شیوه زندگی، رفتار و سبک زندگی مدیران می شود. به گونه ای که این افراد با گذشت زمان، عصر بنیان گذاران انقلاب را فراموش کرده و به بهره مندی از امکانات دنیوی، علاقه مند می شوند